

متن پرسش

سلام علیکم: در باور برخی افراد این چنین مطرح است که به جز مجتهد کسی حق اظهار نظر ندارد و در مقابل هم هر سخنی را از کسی که اجتهاد دارد می پذیرند. اکنون در این باره سوالاتی از محضرتان داشتم؛ ۱. اگر چه بفرموده حضرت عالی فقه در علوم اسلامی نقش علوم پایه را دارد و یقیناً صحیح هم هست ولی مگر تعبیر بزرگان از اجتهاد به ملکه نیست؟ و ملکه هم بدست آوردنی است نه اعطایی، آن بزرگواری هم که به یک شخص اجتهاد می دهد در حقیقت وجود ملکه در او را تائید می کند نه اینکه کار او به منزله دادن ملکه به شخص باشد. سوال اینجاست که اگر کسی به واقع ملکه اجتهاد در او حاصل شده بود ولی بر فقیهی که صاحب اجازات اجتهاد است عرضه نکرده بود نمی توان او را مجتهد و صاحب نظر دانست؟ آیا ما باید تابع دلیل اقوال افراد باشیم یا مدرک اجتهادشان؟ ۲. فقه کنونی با همه توانش نظری اش خلأهای چشمگیری دارد که بر همین اساس هم ارتقاء نظام فقاہت توسط حضرت امام و رهبری مطرح و توسط بعضی آقایان فاضل پیگیری شد. مطمئناً فقهی که امثال آیت الله میرباقری در نظر دارند با فقه برخی افراد دیگر بسیار تفاوت دارد و درجات اجتهادی هم که اعطا می شود با نظر به همان سبک فقه مصطلح است. آیا صرف داشتن مدرک اجتهاد در این فقه موجب این می شود که انسان در هر زمینه ای حق اظهار نظر پیدا کند؟ ۳. اساساً آیا اظهار نظر در حوزه دین نیاز به مدرک اجتهاد دارد یا فهم اجتهادی؟ آیا می توان گفته کسی را که بر طبق تفکر اجتهادی است به بهانه نداشتن مدرک اجتهاد رد کرد؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً اگر کسی در مدت لازم با سیرهی اجتهادی جاری در حوزه های علمیه مأنوس باشد و در خود استعداد لازم را احساس کند پس از مدتی فهم اجتهادی مورد نظر در او پدید می آید و ربطی به مدرک اجتهادی ندارد. می ماند که همان اساتیدی هم که ایشان در محضر آنها تلمذ کرده است، فهم اجتهادی او را تأیید می نماید. موفق باشید